یادداشت

آمریکا اقتصاد جهان را تهدید به رکود بزرگ می‌کند

ادامه از صفحه اول

توصیه‌های پروفسور جان مینارد کینز راهگشا شد و بنای تعادل جهانی عرضه و تقاضا با نظام پرداخت‌های بین‌المللی لازم و ملزوم صلح پایدار بین‌المللی شدند.

۳- در پایان جنگ دوم جهانی، آموزه‌های بحران بزرگ و جنگ بزرگ به کار گرفته شد و برای اینکه بار دیگر از جنگ‌های منطقه‌ای و جهانی پرهیز شود، دولت‌های پیروز تصمیم گرفتند از لحاظ سیاسی و اقتصادی «نظم نوین جهانی» را بر دو پایه سیاسی و اقتصادی بنا نهند که ضامن صلح پایدار باشد. ارگان سیاسی این نظم جهانی، سازمان ملل متحد و شورای امنیت آن شد. ارگان اقتصادی این نظم نیز مجموعه معاهداتی بود که در برتن‌وودز، در ایالت نیوهمپشایر آمریکا، مذاکره و برقرار شد که در نتیجه آن بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و ضمانت بازپرداخت مطالبات کشورهایی که مازاد تجاری داشتند، تعهد شد. طبق معاهده برتن‌وودز که با پایمردی بزرگانی همچون پروفسور جان مینارد کینز به تصویب رسید، آمریکا هژمونی دلار را در دادوستدهای جهانی به دست آورد و در مقابل متعهد شد هرگاه کشوری در مبادلات جهانی به دلار مازاد تجاری دست پیدا کند، آمریکا آن مازاد را با قیمت ثابت به طلا جبران خواهد کرد. بهای مازاد تجاری را برای هر ۲۵ دلار مازاد تجاری تعهد به پرداخت یک اونس طلا به کشور دارنده مازاد شدند. ضمانت این پرداخت نیز ذخایر عظیم طلای آمریکا در دژ «فورت‌ناکس» واقع در ایالت کنتاکی قرار دادند. اما در عمل آمریکا از ابتدا در تراز پرداخت‌ها با کشورهایی که به تدریج صادرات صنعتی و مواد خام داشتند، کسری می‌آورد و مجبور می‌شد سند بخشی از طلاهایش را به نام کشورهای دارنده مازاد تجاری کند یا به آنها عین طلا را به قیمت تعهدشده در برتن‌وودز تحویل دهد.

۴- کشورها با قبول سیستم برتن‌وودز دیگر نگران عدم پرداخت کشورهای بدهکار نبودند و هر کالایی را به دلار می‌فروختند تا از مزایای معاهده برتن‌وودز بهره‌مند شوند. در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، با افزایش تدریجی بهای نفت، کشورهای صادرکننده نفت مانند ایران، عربستان، ونزوئلا، کویت و مکزیک که بیشترشان در سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) گردهم آمده بودند نیز به تدریج دارای مازادهای تجاری دائم‌التزاید می‌شدند و چون هژمونی دلار در معادلات نفتی را هرچند به ضرب کودتا، به دلار پذیرفته بودند، تعهدات خزانه‌داری آمریکا را به‌جای طلب طلا می‌پذیرفتند. آمریکایی‌ها هم این اسناد را پترودلار می‌خواندند، به‌جای اینکه طلای برتن‌وودز تحویل دهند. با هژمونی دلار در مبادلات بازرگانی، کشورهای صنعتی و همسایگان آمریکا مانند ژاپن، آلمان، ایتالیا، کانادا و مکزیک با کشورهای صادرکننده نفت در گرفتن اسناد آمریکایی همگن شدند به خیال اینکه در مقابل هر ۳۵ دلار می‌توانند یک اونس طلا از آمریکا بگیرند. در این میانه، یک شیخ عرب آمریکایی‌ها را بیدار کرد، درحالی‌که صادرکنندگان عمده نفت مانند ایران، عربستان و ونزوئلا در خواب و خیال طلاهای فورت‌ناکس بودند.

۵- وقتی ابوظبی هم صادرکننده نفت شد، حاکم آنجا شیخ شخبوط آل‌نهیان که مردی سنتی بود، می‌گفت من کاغذ در مقابل نفت نمی‌خواهم و عین طلا را به قیمت اونسی ۳۵ دلار می‌خواست. وقتی صندوق‌های طلا شروع به ورود به کاخ تازه‌ساز او کرد، خزانه‌های بزرگی هم برای صندوق‌های طلا ساخت که در آنجا آنها را روی هم می‌چید و هر روز همراه با چند نگهبان از آنجا بازدید می‌کرد. این پدیده موجب شد آمریکا و متحدانش ازجمله ایران و عربستان تصمیم گرفتند او را از امارت ابوظبی خلع کنند که در توطئه علیه او، برادرش شیخ زائد و مأموران ساواک و سیا علیه او کودتا کردند و دست‌بسته او را از ابوظبی به بندرعباس آوردند که تا آخر عمر در باغی نخل‌دار تحت نظر بود و پیش از سقوط شاه همان‌جا فوت کرد. با این تغییر در ابوظبی، سایر امارت‌نشین‌ها مانند قطر و دوبی هم به اصحاب اوپک پیوستند و دلار کاغذی برای بهای نفت را پذیرفتند و هژمونی دلار بار دیگر تحکیم شد.

۶- پدیده نگرانی از دلار کاغذی به‌جای طلای برتن‌وودز از اواخر دهه ۱۹۶۰ مایه نگرانی جدی خزانه‌داری آمریکا شده بود. افزایش قیمت نفت و میزان اسناد پترودلار که اشخاصی مانند شاه ایران را هم مست غرور می‌کرد، در خرج این دلار در داخل ایران تورم دائم‌التزاید ایجاد می‌کرد که به سقوط شاه انجامید. در این میان، نیکسون، رئیس‌جمهور مغرور و جمهوری‌خواه آمریکا، در تابستان ۱۹۷۳ تصمیم گرفت تعهدات آمریکا به پرداخت طلا در مقابل مازاد تجاری کشور را یک‌طرفه لغو کند، درحالی‌که هژمونی دلار را بر معاملات جهانی نگه دارد. به این شکل، نیکسون پترودلارها را با مازاد تجاری کشورهایی مثل ژاپن و آلمان مصادره کرد و چون این دو کشور و اوپکی‌ها را در حمایت خود داشت، از هیچ‌کدام از مصادره‌شده‌ها صدایی برنیامد و نیکسون در مقابل مازادهای تجارتی دنیا به‌جای دادن طلا اقدام به چاپ دلار کاغذی بدون پشتوانه کرد.

۷- در عرض چند ماه قیمت طلا از ۳۵ دلار به ۸۰ دلار رسید و به این شکل قیمت طلای فورت‌ناکس بیش از دو برابر شد و در افزایشی رو به تزاید، امروز قیمت طلا به اونسی دو هزار دلار رسیده و به ذخایر طلای فورت‌ناکس هم افزوده شده است! در مقابل، کشورهای اروپایی با ایجاد یورو خود را تا حدی از یوغ دلار در دادوستدهای بین‌المللی رهانیدند، ولی کماکان در واردات نفتی گرفتار هژمونی دلار هستند.

۸- از هنگامی که چین به تدریج به یک کشور صادرکننده عمده تبدیل شد، خود آمریکا هم بزرگ‌ترین واردکننده کالای مصرفی از چین می‌شد و به تدریج برای چین مازاد در بازرگانی بین‌المللی به وجود می‌آورد. دولت چین هم از سال ۱۹۸۵ در تجارت بین‌المللی خود، صادرکنندگان چینی را مجبور کرد ارز حاصل از صادرات خود را به بانک مرکزی چین بفروشند و در مقابل هم با نرخ ثابت در مقابل دلارهای کاغذ آمریکا به چاپ یوان کاغذی پرداخت که تولیدکنندگان و صادرکنندگان چینی این یوان‌ها را برای هزینه تولید کالا و خدمات صادراتی در چین می‌پراکنند.

۹- در سال‌های اخیر، آمریکا سالانه حدود ۵۰۰ میلیارد دلار کاستی در تجارت بین‌المللی خود پیدا کرده است. چین هم سالانه همین مقدار مازاد تجاری دارد. از آنجا که آمریکا در مقابل این کاستی سالانه بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار کاغذی چاپ می‌کند، چین نیز تصمیم گرفته به همین مقدار (ارزش به دلار) یوان کاغذی چاپ کند. این تعادل چاپ ارز کاغذی بین چین و آمریکا را اخیرا جناب دکتر محمدحسین ادیب، استاد نامدار اقتصاد، به درستی و وضوح «دلار الکی» در مقابل «یوان الکی» نامیده که واقعیت جنگ اقتصادی آمریکا با چین در همین فرایند نهفته است. بازنده این جنگ قطعا آمریکا خواهد بود؛ چون تعادل عرضه با تقاضا در اقتصاد ملی ندارد و همیشه کسری بازرگانی در تجارت جهانی دارد و خواهد داشت و از سوی دیگر بَرج تولید در آمریکا بیش از خرج است؛ چندان که حتی ایلان ماسک، رفیق گرمابه و گلستان ترامپ نیز خط ۴ تولید اتومبیل‌های برقی خود را به کشورهای دیگر برده که سهم بازار جهانی‌اش را در این رشدیابنده‌ترین پاره از تولید صنعتی و بازرگانی در اقتصاد بین‌المللی از دست ندهد.

۱۰- دیگر سخن اینکه چین می‌تواند برای لغو هژمونی دلار در تجارت جهانی، دیگر کشورهای جهان را به لغو تعهدات‌شان در معاهده برتن‌وودز رهبری کند تا تجارت جهانی با دیگر کشورهای جهان کاستی نگیرد و بار دیگر بحران بزرگی مانند بحران ۱۹۳۲-۱۹۲۹ جهان را فرا نگیرد.

شاید این مسیر راه نجات خوبی برای کشورهایی مانند ایران است که آمریکا به ضرب هژمونی دلار در مبادلات بین‌المللی، هر وقت بخواهد آنها را سرخود تحریم می‌کند. لذا باید در پایین‌کشیدن «دلار الکی» در دادوستدهای بین‌المللی با چین همکاری کرد. باشد که ما هم بتوانیم نفت را با یوان و کمی دیرتر با یورو و دیگر ارزها معامله کنیم و خالی‌بندی آمریکایی نهفته در دلار الکی را رسوای جهانی کنیم.

پس از اعمال تعرفه‌های تجاری آمریکا
بازار سرمایه چین برخلاف پیش‌بینی‌ها عمل کرد

شگفتی‌سازی بورس شانگهای

رضا کیانی، مدیر تحقیق و توسعه بورس تهران: در ۹ آوریل رئیس‌جمهور آمریکا تعرفه تمامی کشورها را که بنا بود از نیمه‌شب همان روز اجرائی شوند، به مدت سه ماه متوقف کرد؛ هرچند چین را از این امر مستثنا کرد. بنابراین به‌جز چین، اجرای تعرفه‌ها برای دیگر کشورها به مدت ۹۰ روز متوقف و فرصتی برای مذاکرات تجاری از سوی آمریکا به آنها داده شد.

شاخص بورس‌های اوراق بهادار در این مدت روندی بسیار پرهیجان را پشت سر گذاشت. پس از اعلام تعرفه‌های متقابل اکثر بورس‌ها سقوط شدیدی را تجربه کردند و سپس با اعلام توقف ۹۰روزه، روندی صعودی یافتند و بخشی از افت شدید قبلی را جبران کردند. در این میان، بورس شانگهای نیز با وجود مستثناشدن چین از تعلیق ۹۰روزه و اعمال تعرفه‌های ۱۴۵درصدی، در کمال شگفتی روندی نزدیک به دیگر بورس‌ها داشت.

در بورس‌های جهان چه گذشت؟

در دوم آوریل ۲۰۲۵، روزی که توسط دونالد ترامپ روز آزادی (liberation day) نامیده شد، اعلام تعرفه‌های سنگین و بی‌سابقه از سوی آمریکا، جهان را در بهت و حیرت فرو برد. رئیس‌جمهور آمریکا این تعرفه‌ها را متقابل (reciprocal tariffs) خواند و حداقل آن را ۱۰ درصد تعیین کرد. تعرفه چین ۳۴ درصد، ویتنام ۴۶ درصد، تایوان ۳۲ درصد، سوئیس ۳۱ درصد، هند ۲۶ درصد، کره جنوبی ۲۵ درصد و ژاپن ۲۴ درصد اعلام شد و دیگر کشورها نیز مشمول نرخ‌های متفاوت و کم‌سابقه‌ای شدند. بر اساس برنامه اجرائی، بنا بود تعرفه‌های ۱۰درصدی از پنجم آوریل و تعرفه‌های بیشتر از ۱۰ درصد ۹ آوریل اجرائی شوند.

چین مقابله‌به‌مثل کرد و در چهارم آوریل تعرفه‌ای ۳۴درصدی بر کالاهای آمریکایی وضع کرد. آمریکا نیز تعرفه‌های چین را به ۸۴ درصد افزایش داد و چین نیز تعرفه روی کالاهای آمریکایی را به ۸۴ درصد رساند (۹ آوریل). در ادامه این کشمکش، آمریکا تعرفه روی کالاهای چینی را به ۱۴۵ درصد افزایش داد و چین نیز تعرفه واردات از آمریکا را به ۱۲۵ درصد رساند (۱۱ آوریل) و افزایش بیش از آن را یک «جوک» دانست.

در ۹ آوریل رئیس‌جمهور آمریکا تعرفه تمامی کشورها را که بنا بود از نیمه‌شب همان روز اجرائی شوند، به مدت سه ماه متوقف کرد؛ هرچند چین را از این امر مستثنا کرد. بنابراین به‌جز چین، اجرای تعرفه‌ها برای دیگر کشورها به مدت ۹۰ روز متوقف و فرصتی برای مذاکرات تجاری از سوی آمریکا به آنها داده شد.

شاخص بورس‌های اوراق بهادار در این مدت روندی بسیار پرهیجان را پشت سر گذاشت. پس از اعلام تعرفه‌های متقابل، اکثر بورس‌ها سقوط شدیدی را تجربه کردند و سپس با اعلام توقف ۹۰روزه، روندی صعودی یافتند و بخشی از افت شدید قبلی را جبران کردند. در این میان، بورس شانگهای نیز با وجود مستثناشدن چین از تعلیق ۹۰روزه و اعمال تعرفه‌های ۱۴۵درصدی، در کمال شگفتی روندی نزدیک به دیگر بورس‌ها داشت. شاخص بورس شانگهای (SSEC) از دوم تا هفتم آوریل افتی بیش از ۷.۵ درصد را پشت سر گذاشت و سپس تا ۱۵ آوریل حدود ۶.۵ درصد افزایش یافت و بخش مهمی از افت قبلی را پوشش داد. اگرچه این بازگشت پس از افت شدید قبلی برای دیگر بورس‌ها که مشمول تعلیق اجرای تعرفه‌ها شده‌اند، قابل درک است، اما در مورد بورس چین که وارد شدیدترین جنگ تجاری با آمریکا شده، سبب شگفتی است. برای توضیح این رفتار شاخص بورس شانگهای، بررسی اقدامات دولت و بانک مرکزی چین می‌تواند راهگشا باشد.

۱- مداخلات نهادهای اقتصادی دولتی:

خرید سهام توسط سرمایه‌گذاری مرکزی هوجین Central Huijin Investment: سرمایه‌گذاری مرکزی هوجین، یکی از زیرمجموعه‌های صندوق ثروت ملی چین، به‌طور فعال اقدام به خرید سهام کرده است. در تاریخ هفتم آوریل ۲۰۲۵، هوجین اعلام کرد در حال خرید سهام برای دفاع از ثبات بازار است. این امر شامل افزایش سرمایه‌گذاری‌ها در صندوق‌های قابل معامله‌ای که شاخص اصلی بورس چین (SSEC) را ردگیری می‌کنند نیز شده است.

خرید سهام توسط نهادهای دولتی: علاوه بر سرمایه‌گذاری مرکزی هوجین، سایر نهادهای دولتی نیز تشویق شدند تا اقدام به خریداری سهام کنند.

تشویق شرکت‌ها به بازخرید سهام share buybacks: دولت با هدف کاهش عرضه و حمایت از قیمت سهام از شرکت‌های دولتی و شرکت‌های بورسی خواست تا سهام خود را از بازار خریداری کنند.

۲- سیاست‌های پولی حمایت‌کننده:

تزریق نقدینگی: گزارش‌ها حاکی از آن است که بانک خلق چین (PBOC) در حال بررسی اقداماتی برای تزریق نقدینگی به سیستم مالی است. درحالی‌که هنوز اقدامات خاصی پس از آغاز جنگ تعرفه‌ای اعلام نشده، اما رفتار قبلی (مانند کاهش نسبت ذخیره قانونی بانک‌ها به میزان ۵۰ واحد پایه در سپتامبر ۲۰۲۴ که یک تریلیون یوان به سیستم بانکی تزریق کرد) نشان می‌دهد PBOC احتمالا نقدینگی کوتاه‌مدت را از طریق ابزارهایی مانند ریپوهای معکوس یا تسهیلات وام‌دهی میان‌مدت فراهم کرده است تا اطمینان حاصل کند بانک‌ها از بودجه کافی برای حمایت از بازارها برخوردار هستند.

احتمال کاهش نرخ بهره: تحلیلگران اشاره کرده‌اند چین در حال بررسی کاهش نرخ بهره برای جبران تأثیرات مخرب جنگ تعرفه‌ای است. PBOC قبلا نرخ ریپو هفت‌روزه را به میزان ۲۰ واحد پایه و نرخ تسهیلات وام‌دهی میان‌مدت یک‌ساله را به میزان ۳۰ واحد پایه در سال ۲۰۲۴ کاهش داده بود. پس از آغاز جنگ تعرفه‌ای، گزارش‌هایی درباره احتمال کاهش‌های بیشتر نرخ بهره برای تحریک فعالیت اقتصادی و تقویت احساسات بازار منتشر شده است.

۳- تحریک مالی و حمایت اقتصادی:

کمک به صنایع هدف: دولت برنامه‌هایی برای ارائه بسته‌های حمایتی در بخش‌های کلیدی مانند فناوری، املاک و مستغلات اعلام کرده است. روزنامه خلق چین به‌عنوان یک رسانه دولتی بر «حمایت مالی و پولی قوی» برای مقابله با تأثیرات جنگ تعرفه‌ای تأکید کرده که ازجمله شامل ارائه یارانه به صادرکنندگان و حمایت از صنایعی است که به‌شدت تحت تأثیر تعرفه‌های ایالات متحده قرار گرفته‌اند. انتظار می‌رود این اقدامات به تقویت شرکت‌های بورسی به‌ویژه در بخش‌های تولید و فناوری کمک کند.

افزایش هزینه‌های دولتی: مقامات ارشد دولت چین در حال بررسی ارائه محرک‌های مالی، مانند سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و ارائه مشوق‌هایی برای تقویت تقاضای خانوار هستند. این اقدامات اهدافی همچون افزایش تقاضای داخلی برای حمایت از اقتصاد داخلی و شرکت‌های بورسی و کاهش وابستگی به بازارهای ایالات متحده را دنبال خواهند کرد.

۴- سیگنال‌های تثبیت بازار

اعلامیه‌های سیاستی: پکن از طریق رسانه‌های دولتی مانند روزنامه خلق، بیانیه‌هایی صادر کرده و وعده «تلاش‌هایی فوق‌العاده» برای تثبیت بازارها را داده است. این بیانیه‌ها بر تعهد دولت برای حفظ ثبات مالی و دستیابی به رشد پنج درصد تأکید کرده‌اند و اطمینان سرمایه‌گذاران نسبت به شرایط آینده را بهبود بخشیدند.

سانسور و مدیریت احساسات: دولت با هدف کنترل جو عمومی و جلوگیری از فروش‌های احساسی سرمایه‌گذاران، سانسور موضوعات مرتبط با تعرفه‌ها در پلتفرم‌های اجتماعی مانند ویبو (Weibo) را افزایش داده است.

درحالی‌که اقدامات یادشده تا این لحظه شاخص بورس شانگهای (SSEC) را تقویت کرده‌اند، اما بدون ریسک نیستند. مداخله سنگین دولت می‌تواند سیگنال‌های بازار را تحریف کند و تزریق نقدینگی یا کاهش نرخ بهره ممکن است منجر به افزایش تورم شود؛ به‌ویژه آنکه هزینه‌های واردات نیز به دلیل بروز جنگ تعرفه‌ای افزایش یافته‌اند. وابستگی به بودجه‌های دولتی مانند سرمایه‌گذاری مرکزی هوجین، با پرسش‌هایی درباره پایداری این روش مواجه است. اگر فشارهای تعرفه‌ای ادامه یابد، آیا دولت می‌تواند به‌طور نامحدود سهام بخرد؟

نتیجه‌گیری

دولت و بانک خلق چین اقدامات چندجانبه‌ای برای تثبیت شرایط بورس اتخاذ کرده‌اند و تا این لحظه موفق بوده‌اند. این اقدامات شامل خرید سهام توسط سرمایه‌گذاری مرکزی هوجین، تشویق به خرید سهام توسط شرکت‌های دولتی، سیگنال‌دهی در مورد تسهیلات پولی (نقدینگی و کاهش‌های احتمالی نرخ)، برنامه‌ریزی برای محرک‌های مالی و مدیریت احساسات از طریق تبلیغات و سانسور هستند. اقدامات یادشده شاخص بورس شانگهای (SSEC) را بهبود بخشیده‌اند، اما به نظر می‌رسد این رویکرد راه‌حلی موقتی در برابر تنش‌های تجاری فزاینده باشد. در هر حال، تجربه بورس شانگهای نشان می‌دهد یک دولت ثروتمند می‌تواند در شرایط اضطراری، دست‌کم در کوتاه‌مدت، با تزریق نقدینگی و ارائه مشوق‌های مالی و پولی به شرکت‌های بورسی کمک کند و ثبات بازار را افزایش دهد. تداوم این امر به توان مالی دولت و البته شرایط سیاسی و اقتصادی جهانی بستگی دارد.

پیش‌بینی بازار سکه و طلا پس از دور دوم مذاکرات

در حالی که قیمت جهانی طلا در هفته گذشته با رکوردشکنی بی‌سابقه‌ای همراه بود، بازار داخلی سکه و طلا برخلاف این روند، سقوط چشمگیری را تجربه کرد؛ کشتی‌آرای کاهش نرخ ارز ناشی از سیگنال‌های مثبت مذاکرات ایران و آمریکا را علت اصلی این ریزش عنوان کرد؛ به‌گونه‌ای که بهای انواع سکه کاهش‌های چند میلیون تومانی را تجربه کرده و حباب سکه نیز تا ۷.۵ میلیون تومان تخلیه شد که می‌توان امیدوار بود با دور دوم مذاکرات، شاهد کاهش بیشتر قیمت‌ها در این بازارها باشیم. هفته‌ای که گذشت، برای بازار سکه و طلا هفته‌ای با نوسانات کاهشی قابل توجه بود؛ بحث‌های سیاسی- اقتصادی و پالس‌های مثبت اولین مذاکرات ایران و آمریکا سبب شد ارزش ریال کشور تقویت و نرخ ارز با کاهش قابل توجهی مواجه شود. به تبع کاهش نرخ ارز، بازار سکه و طلا برخلاف جهت حرکت رو به بالای قیمت طلا در بازارهای جهانی و رکوردشکنی اونس جهانی طلا، ریزشی شد. محمد کشتی‌آرای در گفت‌وگو با ایسنا، درباره وضعیت یک هفته اخیر بازار سکه و طلا اظهار کرد: اتفاقی که در یک هفته اخیر افتاد، این بود که قیمت جهانی طلا باز به رقم بی‌سابقه ۳۳۴۰ دلار رسید که حقیقتا یک رکورد جدید به حساب می‌آید. در آخرین روز دادوستدهای بازار داخل (پنجشنبه) قیمت هر اونس طلا ۳۳۲۴ دلار بود که به نسبت ابتدای هفته، ۸۷ دلار افزایش داشت. این افزایش ۸۷دلاری، طبیعتا افزایش زیادی است اما برخلاف این افزایش قابل توجه قیمت جهانی طلا، نرخ ارز این هفته سیر نزولی داشت و همین باعث شد آن ۸۷ دلار افزایش قیمت جهانی با کاهش قیمت ارز پوشش داده شود و قیمت انواع قطعات سکه و طلا، به نسبت اول هفته با کاهش و ریزش زیادی همراه شود. نایب‌رئیس سابق اتحادیه طلا و جواهر تهران، تصریح کرد: این حرکت در دو مسیر مختلف قیمت‌ها در بازار سکه و طلای داخلی و بازار جهانی به طوری بود که قیمت سکه تمام طرح جدید هشت میلیون‌و ۲۰۰ هزار تومان کاهش و ۷۹ میلیون‌و ۸۰۰ هزار تومان شد و قیمت سکه تمام طرح قدیم، به طور متوسط با ۱۴ میلیون تومان کاهش به ۷۳ میلیون‌و ۹۰۰ هزار تومان رسید.

این کارشناس بازار سکه و طلای کشور درباره تغییرات حباب سکه و آخرین وضعیت آن در بازار سکه، گفت: همین‌طور که اشاره شد، حباب سکه هم به دلیل کاهش قیمت سکه و همچنین با توجه به کاهش تقاضا در نتیجه کاهش قیمت سکه، با هفت میلیون‌و ۵۰۰ هزار تومان کاهش مواجه شد. در آخرین معاملات روز گذشته، هر قطعه سکه ۱۲ میلیون‌و ۵۰۰ تومان دارای حباب بود.

طبق تحلیل نایب‌رئیس سابق اتحادیه طلا و جواهر تهران، هفته‌ای که گذشت در مجموع هفته کاهشی قیمت‌ها بود. علت کاهش هم همان‌طور که اشاره شد، شرایط بازار با توجه به گفت‌وگوها و مذاکراتی که انجام می‌شود و مسائل سیاسی و اقتصادی کشور به این سمت رفت که نرخ ارز کاهش پیدا کرد و سبب شد بهای سکه و طلا هم کاهش پیدا بکند. این در حالی بود که روند بازار داخلی در جهت خلاف قیمت جهانی بود که با توجه به نرخ تورم و کاهش شاخص‌های اقتصادی آمریکا، باعث شده قیمت جهانی طلا با افزایش همراه شود. البته قیمت نقره و پلاتین هم با افزایش در بازارهای جهانی همراه بوده است. کشتی‌آرای در پایان بیان کرد اتفاقاتی که طی دو، سه هفته اخیر پیش آمده براساس شرایط سیاسی بوده و طبیعتا با توجه به اینکه شنبه دور دوم مذاکرات است، می‌توان ابراز امیدواری کرد این مذاکرات در جهت مثبت پیش برود. چنانچه مذاکرات در جهت مثبت باشد، طبیعتا شاهد کاهش بیشتر قیمت‌ها خواهیم بود.

خبر

نیاز به ۲۵۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در صنعت نفت

رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی ایران گفت بیش از ۲۰۰ تا ۲۵۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز داریم تا بتوانیم نفت و گاز کشور را به یک حالت پایدار برسانیم.

آرش نجفی در گفت‌وگو با ایلنا، درباره تأثیر توافق در مذاکرات مسقط بر جذب سرمایه و همچنین توسعه صنعت نفت و گاز کشور اظهار داشت: ما در سال‌های گذشته به دلیل تحریم‌ها از بسیاری از تکنولوژی‌های روز دنیا بی‌بهره یا کم‌بهره بوده‌ایم و در حال حاضر برای بهره‌برداری از منابع زیرزمینی کشور و فشارافزایی مخازن گاز و احیای مخازن نفتی نیاز به تکنولوژی جدید، امکانات روز و سرمایه‌گذاری جدی داریم.

او افزود: ما بیش از ۲۰۰ تا ۲۵۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز داریم تا بتوانیم نفت و گاز کشور را به یک حالت پایدار برسانیم. برای انتقال انرژی به پالایشگاه و پتروشیمی و امکانات زیرساختی و امثال آن حتما به سرمایه نیاز داریم.

رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی ایران تصریح کرد: اکنون سرمایه‌گذاری در کشور ما فارغ از تحریم، درگیر ارتباطات بین‌المللی است که مستلزم تصویب کامل FATF است. با توجه به اینکه هنوز ورود به این سازوکار مالی را نپذیرفته‌ایم، باعث شده نتوانیم مبادلات مالی داشته باشیم و حتی در حوزه‌های سرمایه‌گذاری کوچک نیز نمی‌توانیم منابع سرمایه‌ای خارج از کشور را جذب کنیم، در حالی که قاعدتا هرگونه سرمایه‌گذاری در چارچوب روابط بانکی بین‌المللی قانونی انجام می‌شود. بنابراین نیازمند تعاملات بین‌المللی هستیم.

او بیان کرد: با توجه به موافقت مقام معظم رهبری با اینکه فرایندهای سرمایه‌گذاری توسط کشورهای دیگر و حتی آمریکا هم تحقق پیدا کند، شرایط برای ایران تسهیل شده است. اکنون کشور آمریکا در حوزه نفت پیش‌رو است و احتمالا اگر ما در تعامل اقتصادی با آمریکا باشیم و کریدور اقتصادی بین دو کشور برقرار شود، این امکان را خواهیم داشت که ضمن بهره‌گیری از تکنولوژی‌ها، از سرمایه این کشور نیز در توسعه میادین نفت و گاز کشور استفاده کنیم. همچنین می‌توانیم منابع سرمایه‌ای شرکت‌های چندملیتی را به کار بگیریم و خود را به شرایط پایدار موفق در حوزه نفت و گاز برسانیم.

نجفی خاطرنشان کرد: در هر حال آغاز فرایند سرمایه‌گذاری و به‌روزکردن روند فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی کشور بستگی به روند، جنس و کیفیت توافقات با آمریکا دارد. امیدواریم توافقات اصلی تا خرداد صورت بگیرد و ما تا آن زمان روی برخی اصول با آمریکا توافق کنیم. ریزه‌کاری و مباحث فنی کاری زمان‌بر است. همین که شرایط روحیه تعامل بین تهران - واشنگتن فراهم شود، باب مذاکرات اقتصادی باز خواهد شد و همین می‌تواند هم‌زمان با پیشبرد توافقات فنی دو کشور رویکرد تعاملی شرکت‌ها و فعالان اقتصادی طرفین را به ارمغان بیاورد و به موازات رایزنی‌های صنعتی نیز پیش برود.

او گفت: یکی از ملزومات برای تسریع در روند بهبود شرایط اقتصادی در صورت توافق این است که ما مجبوریم FATF را به صورت جدی اجرائی کنیم. علت اینکه تاکنون این سازوکار مالی را مصوب نمی‌کردیم برای این بود که قابلیت دورزدن تحریم‌ها را از دست ندهیم. اکنون اگر FATF را بپذیریم و از تحریم‌ها نیز خارج شویم، مشکلی نداریم.

سازمان خصوصی سازی
IRANIAN PRIVATIZATION ORGANIZATION

«خلاصه آگهی عرضه عمومی»

نوبت دوم

سازمان خصوصی‌سازی در نظر دارد در اجرای مصوبه هیئت واگذاری و سایر قوانین و مقررات مربوطه، سهام **شرکت گسترش کاتالیست ایرانیان** به شرح جدول زیر را از طریق **مزایده** عرضه و واگذار نماید.

میزان سهام قابل عرضه				ارزش پایه کل(ریال)	شرایط تسویه ثمن معامله	تاریخ مزایده
تعداد سهام بلوکی	* تعداد سهام ترجیحی	تعداد کل سهام	درصد کل			
۲۵،۴۶۰،۰۰۰	۱،۳۴۰،۰۰۰	۲۶،۸۰۰،۰۰۰	٪ ۷/۱۸	۷۷۵،۰۰۲،۴۰۰،۰۰۰	کلاً نقد	۱۴۰۴/۰۲/۱۴

* شرایط و جزئیات نحوه واگذاری سهام ترجیحی از جمله مهلت ارسال درخواست علاوه بر مکاتبه با شرکت، از طریق پایگاه اینترنتی سازمان خصوصی سازی و «سامانه سهام ترجیحی» به اطلاع مشمولین خواهد رسید.

«آگهی عرضه عمومی» (نسخه تکمیلی) در پایگاه اینترنتی سازمان خصوصی‌سازی به نشانی www.ipo.ir (قسمت آگهی‌های عرضه اصل ۴۴) در دسترس می‌باشد.

شناسه آگهی ۱۹۰۶۴۹۷ م الف۹۵